



دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز
معاونت پژوهش و فناوری

شماره: ۲۹/۱۲/۱/۱۳۹۳۵

تاریخ: ۱۳۹۲/۱۲/۰۵

سال حماسه سیاسی، حماسه اقتصادی

همایش منطقه‌ای توسعه پایدار امنیت مرزی خراسان شمالی

۱۱ اسفند ۱۳۹۲

جناب آقای/سرکار خانم: محسن جان پرور

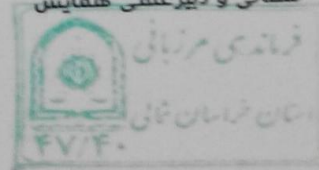
بدینوسیله از تلاش‌های علمی و حضور ارزشمند حضرتعالی در همایش منطقه‌ای
(توسعه پایدار امنیت مرزی خراسان شمالی) و ارائه‌ی مقاله با عنوان:
« مدیریت دوجانبه مرزها گامی جهت برقراری امنیت پایدار مرزی »
به صورت (سخنرانی) تقدیر و تشکر می‌گردد. توفیق روز افزون جنابعالی را در
راستای پژوهش و تحقیق آرزو مندیم.

دکتر فریمان ابراهیم زاده
رئیس دانشگاه آزاد اسلامی واحد
شیراز و رئیس همایش

دکتر محمدرضا محمدزاده رهنی
معاون پژوهش و فناوری واحد شیراز
و دبیر اجرایی همایش

سررهنگ قربانعلی داوطلب
فرماندهی مرزبانی استان خراسان
شمالی و دبیر علمی همایش

محمد پرور



مدیریت دوجانبه مرزها گامی جهت برقراری امنیت پایدار مرزی

محسن جان پرور* (استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد)

چکیده:

از آنجا که، مرزها چهارچوب مشخصی برای کشور ایجاد کرده و از طریق آنها کشور می‌تواند با دیگر کشورها و بازیگران در سایر نقاط جهان تماس داشته باشد اهمیت آن افزایش یافته و سبب توجه بیشتر جهت برقراری امنیت پایدار مرزی می‌شود، زیرا مرزها زنده و نسبت به سوء استفاده‌ها بسیار آسیب‌پذیر هستند. جهت دستیابی به این مهم، کشورها به صورت‌های مختلف عکس‌العمل نشان می‌دهند. در این بین، با توجه به وابسته تر شدن روز افزون کشورها به یکدیگر، مدیریت و کنترل کردن مرزها می‌تواند نقش برجسته‌ای در تأمین امنیت و کاهش آسیب پذیری کشور داشته باشد. بر این اساس، مقاله حاضر با روش توصیفی و تحلیلی چگونگی مدیریت مرزها جهت دستیابی امنیت پایدار را مورد بررسی قرار داده است. نتایج حاصل از تحقیق حاضر نشان دهنده آن است که عواملی نظیر تحولات دهه‌های اخیر، ماهیت دو طرفه مرزها، منافع و امنیت مشترک، منابع مشترک مرزی، دیپلماسی مرزی و بهره‌گیری از زیرساخت‌ها و تکنولوژی مشترک مرزی به صورت‌های مختلف بهره‌گیری و استفاده از مدیریت دوجانبه مرزهای کشورها را ضروری می‌سازد. بر این اساس، اگر کشورها بخواهند با توجه به تحولات صورت گرفته در عرصه جهانی امنیت پایدار مرزی خود را فراهم کنند نیازمند همکاری و هماهنگی بیشتر با کشورهای همسایه خود در قالب استفاده از راهکار مدیریت دوجانبه مرزها می‌باشند.

واژگان کلیدی: مرز، مدیریت مرز، امنیت پایدار مرزی

* نویسنده مسئول

Email: janparvar@um.ac.ir

Tel: 09126508238

روند مطالعاتی در زمینه مرزها در قرون گذشته به ویژه قرن بیستم بیشتر جنبه‌های تاریخی مرز، موافقت، تحدید حدود، علامت‌گذاری، کنترل و مسائل ناشی از آنها را مورد بررسی و مطالعه قرار داده و پیشرفت‌های خوبی را نیز بطور مشخص در مفاهیم مرتبط با مرز و روش‌های تحدید حدود و علامت‌گذاری مرزها سبب شده و به افزایش درک مرزهای بین‌المللی کمک کرده است. با گذشت زمان این اندیشه در بین صاحب‌نظران و کارشناسان مرزی شکل گرفت که همه چیزهایی که لازم است درباره مرزها گفته شود را گفته اند. این امر سبب شد که روند مطالعات در زمینه مرزها دچار خاموشی نسبی شود. بعد از دهه‌های خاموشی نسبی، مطالعه مرزها دوباره مکان برجسته‌ای را توانست، در جغرافیای سیاسی بدست آورد. نیروی محرک برای احیاء مطالعات مرزی از شکل‌گیری ادعاهایی از جمله پایان تاریخ، جهانی شدن و تجارت آزاد ناشی می‌شد که به دورغ مدعی قلمرو‌دایی و جهان بی مرز بودند، هر چند حقایق بیشتری وجود داشت که مرزها در اشکال و شدت‌های متنوع سرزمین‌ها را در داخل حصارهای تقسیم بندی شده، تعیین حدود می‌کنند و چگونگی برقراری ارتباط و پذیرش آنها و سیطره آزادی حرکت از یک فضا به فضای دیگر را مشخص می‌کنند. در این راستا، این تحولات و ادعاها ذهن‌ها را متوجه جنبه‌ها و مسائلی که در مطالعات مرزی مورد غفلت قرار گرفته بود و مسائلی که از عملکردهای جدید مرزی ناشی می‌شد، کرد. در این بین، یکی از جنبه‌های مهم مطالعاتی درباره مرزها که با توجه به جهانی شدن و تحولات ناشی از آن جایگاه برجسته‌ای را بدست آورده، جنبه مدیریت مرزها می‌باشد که مورد غفلت قرار گرفته و توجه چندانی به آن نشده است (جان پرور، ۱۳۹۱: ۲). این جنبه از مطالعات مرز با توسعه ارتباطات و سایر تحولات در قرن بیست و یکم توانسته است خود را به صورت یک الزام و ضرورت برای کشورها مطرح کند و جایگاه برجسته‌ای را به خود اختصاص دهد. زیرا، تحولات صورت گرفته در قرن بیست و یکم همراه با پدیده‌ی جهانی شدن و مبادلات در سطوح مختلف از کالا گرفته تا اطلاعات از مکان‌های نزدیک گرفته تا کشورهای دور، آغازگر دور جدیدی از روابط میان کشورها است. سطح روابط اقتصادی در قرن حاضر به طور قابل ملاحظه‌ای توسعه یافته و بازیگران عرصه اقتصادی نیز بیشتر و متفاوت‌تر شده‌اند و زمینه حضور افراد، گروه‌ها و سازمان‌های مختلف را در عرصه اقتصادی با تحرک بالا فراهم آورده‌اند. به نحوی که امکان چندانی برای اتخاذ سیاست انزوا و خودکفایی اقتصادی وجود ندارد و تصمیم به برکنار بودن از شبکه‌های اقتصادی جهان گستر بسیار دشوار، پرهزینه و حتی ناممکن شده است. از سوی دیگر، روند رو به افزایش جمعیت و توسعه فناوری‌های جدید نیاز و توان کشورها برای بهره‌برداری از منابع مشترک مرزی را تا حد قابل ملاحظه‌ای افزایش داده است. در کنار این روند ایجاد کننده فرصت برای کشورها زمینه برای نفوذپذیری مرزهای کشور در برابر قاچاق کالا، موادمخدر، ناامنی، بیماری‌های مسری و ... نیز افزایش یافته است. این امر مدیریت مرزهای کشورها را پیچیده تر کرده و

کشورها را در برقراری تعادل بین استفاده از فرصت های پیش رو و جلوگیری از ورود ناامنی ها، چالش ها و ... فرامرزی با مشکل مواجه کرده است. بر این اساس، تحقیق حاضر در پی پاسخ دهی به این سوال است که راهکار پیش روی کشورها برای اینکه بتوانند در طول مرزهای خود امنیت پایدار برقرار کنند، چیست؟

۲- ادبیات نظری تحقیق

۲-۱- مرز

۲-۱-۱- تعریف مرز

انسان برای مشخص ساختن محیط پیرامون خود، به گونه‌ای که با گستره فعالیت همسایگان آن تداخل نداشته باشد، ناچار به تعیین خطوط قراردادی در بخش پایانی و پیرامونی محیط زیست یا قلمرو خود است. نوع گسترش یافته این مفهوم خط پیرامونی است که بخش پایانی گستره فعالیت یک ملت را مشخص می‌سازد و جنبه سیاسی پیدا می‌کند که «مرز» خوانده می‌شود (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۴۰). خطوط مرزی از نشانه های تفکیک دولت های جدید است که با خط باریک و نازکی دو دولت را از هم جدا می‌کند و قلمرو رسمی اعمال اراده سیاسی آنها را نشان می‌دهد (حافظ نیا، ۱۳۸۱: ۳۰۰).

۲-۱-۲- مدیریت مرز

مدیریت مرز اغلب به روش‌ها و فن‌آوری‌هایی که به افراد، دولت‌ها و حکومت‌ها کمک می‌کند تا مسائل مرزی، عبور مرور افراد و کالا، استفاده بهینه از منابع مشترک و ... را منطبق با قوانین و مقررات کشور انجام دهند، اشاره می‌کند. مدیریت مرز بیش از کنترل مرزی که گمان می‌شود مسئولیت رسیدگی به عبور مرور افراد، کالاها، منابع مرزی و ... داشته باشد با امنیت ملی کشور ارتباط دارد (Heinesson, 2009: 1). به عبارت ساده‌تر «مدیریت مرز مکانیسمی برای تضمین امنیت مرزهای ملی و برای تنظیم حرکات قانونی در طول مرزها برای دستیابی به نیازهای متفاوت ملت توسط ارتباط فرهنگی- اجتماعی- اقتصادی می‌باشد، که از طریق مرزها فراهم می‌گردد». بنابراین واژه مدیریت مرز یک واژه گسترده تری است که محدوده کنترل امور اجرایی مرزها شامل اطمینان از حفظ حرمت آنها را مشخص می‌کند (Pratt, 2001: 7). به بیان دیگر مدیریت مرزها را می‌توان به عنوان تنظیم رابطه‌ای قانده مند و حساب شده بیان کرد که از طریق آن بتوان مرزهای کشور در عرصه‌های مختلف را تا حد امکان باز گذاشت تا روابط، عبور و مرور افراد، کالاها، اطلاعات و ... به راحتی از طریق آن جریان داشته باشند و از سوی دیگر مرزها را تا آن حد بسته نگاه داشت که ناامنی‌ها، بی‌نظمی‌ها و

سایر چالش‌ها و مسائل فراسوی مرزها نتواند وارد فضای کشور و جامعه شده و زمینه بی‌نظمی و ناامنی را در کشور به وجود آورد.

۲-۲-۲- امنیت

۲-۲-۲-۱- تعریف امنیت

اصولاً امنیت یک مفهوم چندوجهی است و به همین جهت درباره‌ی معنای آن در بین صاحب‌نظران اختلاف نظرات زیادی وجود دارد. در این باره بوزان، از نظریه پردازان برجسته، می‌گوید: هر کوششی برای درک مفهوم امنیت، بدون آگاهی کافی از تناقضات و نارسایی‌های موجود در خود این مفهوم ساده‌اندیشانه است (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۷). تعبیر بوزان درباره‌ی پیچیدگی مفهوم امنیت این است که امنیت یک مفهوم توسعه‌یافته است. به نظر وی امنیت هنوز توسعه لازم را پیدا نکرده است که بتوان یک مصداق واحد خارجی برای آن قایل شد و تعریف مشخصی از آن ارائه داد (تاجیک، ۱۳۷۷: ۷). از سوی دیگر، مک سوئینی، امنیت را واژه‌ای لغزنده و بی‌ثبات می‌خواند که در گستره گنج‌کننده‌ای از زمینه‌های متنوع و در جهت اهداف چندگانه به وسیله افراد، شرکت‌ها، حکومت‌ها و متخصصان آکادمیک به کار رفته است و در این فضا مجموعه‌ای از چیزها، مردم، وسایل، اهداف، حوادث خارجی و احساسات درونی منظور شده‌اند. با این وجود امنیت را می‌توان، وجود اطمینان نسبت به سلامت جان، مال و ناموس تعریف کرد. امنیت امری است استنباطی که واقعیت یافتنش در محیط، مستلزم اقدامات و برنامه‌ریزی‌های ویژه‌ای می‌باشد (مجتهدزاده و عسگری، ۱۳۸۴: ۴۵). بر این اساس بطور کلی می‌توان گفت، امنیت مفهومی غیر توسعه‌یافته، مبهم، نارسا، ماهیتاً جدال‌برانگیز و شخصیتاً متباین و متناقض است. امنیت در زبان عربی به معنای بی‌هراس بودن و آرامش است. امنیت حرکتی است ضد ترس، ضد ضعف و مکان امن؛ همچنین جایگاهی است که عالی‌ترین احساس و عواطف انسانی در آن رشد و نمو کرده است. دایرة‌المعارف بزرگ لاروس، ذیل واژه security آورده است: وضعیتی که شخص در آن از خطر واهمه ندارد و آرامش نفسانی از آن حاصل می‌شود.

۲-۲-۲-۲- امنیت مرز

مفهوم امنیت مرزی به معنی جلوگیری از هر گونه اعمال منافی قانون در طول مرزهای یک کشور و قانونی کردن تردد اشخاص و حمل و نقل کالا و حیوانات اهلی با رعایت ضوابط قانونی از طریق دروازه‌های مجازی مرزی است بدیهی است امنیت مرزها پشتوانه‌ای محکم برای امنیت با ابعاد متنوعش در داخل کشور است و هر گونه ناامنی در مرز قادر است در سیستم‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و نظامی داخل کشور اخلال ایجاد نماید و در مقابل امنیت مطلوب قادر است در حد خود در امنیت مرزی و داخلی کشور سهم بسیار برجسته‌ای را به خود اختصاص دهد (خطابی، ۱۳۷۴).

۸۵). از سوی دیگر باید توجه داشت که، مقوله امنیت مرزها از جمله مباحث مهم نظری و عملی حوزه های امنیتی و دفاعی است که در دو دهه اخیر به لحاظ ماهیتی و کارکردی دچار تغییراتی شده است. از نظر مرجعیت امنیت مرزی، علاوه بر دولت ها، مردم و جمعیت های ساکن در مناطق مرزی، افراد و کالایی که از مرزها عبور می نمایند را شامل می شود. امنیت مرزی از آن جهت اهمیت مضاعف پیدا می کند که نقش واسط بین امنیت داخلی و خارجی دارد و پاشنه آشیل دولت ها محسوب می گردد. سمت گیری تهدیدات از کانون های بیرونی، نقطه آسیب پذیری حاکمیت هاست و هر آئینه روابط فی مابین همسایگان رو به تیرگی بگذارد مرزها اولین لایه جذب تشعشعات و امواج منفی می باشند، لذا دولت ها بیش از هر موضوعی به امنیت مرزها می پردازند (حیدری و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۱۹).

۳- روش تحقیق

روش اصلی این تحقیق، با توجه به ماهیت نظری آن توصیفی- تحلیلی است. بر این اساس در این تحقیق سعی شده است علاوه بر تصویر سازی درست تحولات صورت گرفته در عرصه جهانی و وابسته شدن کشورها و امنیت آنها به یکدیگر به تبیین دلایل استفاده از مدیریت دوجانبه مرزها جهت برقراری امنیت پایدار در طول مرزهای کشورها بپردازد. لازم به ذکر است که در این تحقیق برای گردآوری و فیش برداری آن از اطلاعات کتابخانه‌ای و اینترنتی استفاده شده است.

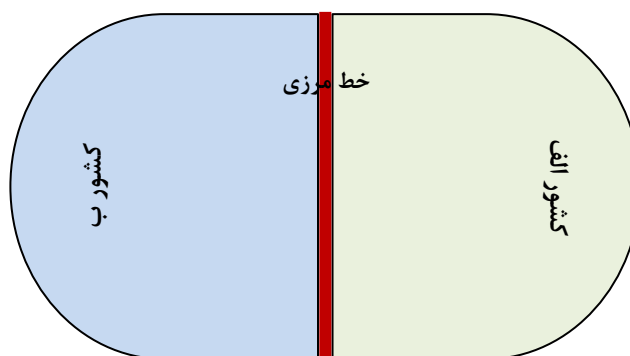
۴- یافته های تحقیق

۴-۱- ماهیت دو طرفه بودن مرزها

هنگامی که مفهوم مرز بیان می شود خود این مفهوم نشان دهنده تفاوت و وجود طرف مقابل است. به این معنی که ماهیت وجودی مرزها با وجود طرف مقابل شکل می گیرد و بدون طرف مقابل نیاز به شکل دهی به مرز وجود ندارد. از آنجا که ماهیت وجودی مرزها با وجود طرف مقابل معنی پیدا می کند در نظر گرفتن طرف مقابل در فرآیند مدیریت مرزها یکی از ضروریات برای برقراری امنیت در طول مرزها می باشد. از سوی دیگر باید توجه داشت که مرزها چهارچوب مشخصی برای کشور ایجاد کرده و از طریق آنها کشور می تواند با دیگر کشورها و بازیگران در سایر نقاط جهان تماس داشته باشد. این هویت ویژه مرز اهمیت آن را افزایش داده و سبب توجه بیشتر برای مدیریت مرز می شود، زیرا مرزها زنده و نسبت به سوء استفاده ها بسیار آسیب پذیر هستند. یک کشور برای پیشرفت نیازمند برقراری روابط، مشارکت پیوسته و غیره با دیگر کشورها از طریق مرزها است. بنابراین، مرزها شاهرگ ارتباطی کشورها می باشند. برای اطمینان از امنیت این شاهرگ نباید شک داشت بلکه باید اطمینان داشت چون مرزها ارتباط مستقیمی با حیات کشور دارند.

بر این اساس، مدیریت کارآمد و دوجانبه مرزها می‌تواند به ثبات و روابط فرامرزی صلح آمیز بین کشورها کمک کند و از رفت و آمد یا ورود و خروج بعضی از افراد، کالاهای غیر مجاز و قاچاق و .. جلوگیری کند. همچنین درک روش‌های مدیریت مرزی جایگاه مهمی برای کاهش کشمکش‌ها و درگیری مرزهای ناآرام و ناامن دارد و می‌تواند به فرصت‌ها و ظرفیت‌های نواحی مرزی در راستای دستیابی به همکاری‌های دوجانبه بین دو کشور کمک کند (Newman, 2003: 125-127).

شکل ۱: ماهیت وجودی مرز (از نگارنده)



۴-۲- منافع و امنیت مشترک

امروزه با توجه به تحولات صورت گرفته در جهان از جمله جهانی شدن، ورود به عصر اطلاعات و ... بسیار مشکل است که کشورها به تنهایی و بصورت انفرادی بتوانند منافع ملی خود را در سطح جهان پیگیری کنند و به بقا ادامه دهند. چرا که به دلیل پیوندها و وابستگی‌هایی که بین کشورها ایجاد شده است و همچنین بی‌ثباتی سیاسی و ضعف‌های استراتژیکی بسیاری از کشورها تأمین امنیت ملی به تنهایی تقریباً غیر ممکن است. بنابراین کشورها برای تأمین امنیت و منافع ملی خود همکاری و همراهی را امر معقول و مطلوب می‌بینند. در این راستا است که، فرامرزی شدن منافع و خواست‌های ملی کشورها در دهه‌های پایانی قرن بیستم (جهانی شدن‌ها) را سبب شده است (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۲۰۳-۲۰۲). در این بین، با توجه به اشتراکات و وابستگی بالای منافع و امنیت کشورهای همسایه به یکدیگر مناطق مرزی بین آنها از جایگاه برجسته‌ای برخوردار بوده و کشورها به صورت‌های مختلف ملزم به همکاری و هماهنگی با یکدیگر جهت دستیابی به منافع و امنیت مشترک در این بخش از کشور می‌باشند. از آنجا که برقراری امنیت پایدار مرزی و مدیریت مرزهای بین‌المللی کاری پیچیده است و نیازمند همکاری‌های مختلف بین دو کشور همسایه دارای مرزهای مشترک و سایر مجموعه‌ها و بخش‌های مرتبط با مرزها در دو کشور می‌شود (www.kghborderservices.com).

حرکت جهت همکاری های دوطرفه به ویژه از طریق کمیسیون ها و نهادهای دارای اختیارات قانونی می تواند زمینه مدیریت بهتر و امنیت پایدار تر مرزها را فراهم آورد. این همکاری اگر با ماندگاری، خلاقیت، مذاکره، مصالحه، حکمیت و احترام دو طرفه همراه باشد می تواند به امنیت پایدار مرزها بینجامد.

۴-۳- منابع مشترک مرزی

مرزها بصورت های مختلف زمین و فضای جغرافیایی را بین دو کشور تقسیم می کنند و ممکن است در طول فضای جغرافیایی تقسیم شده بین دو کشور منابع و معادنی وجود داشته باشد که به وسیله مرزهای بین دو کشور تقسیم شده باشد. به این منابع به اصطلاح منابع طبیعی فرامرزی^۱ می گویند این منابع در معنای موسع خود شامل هر نوع منابع طبیعی می گردد که در شکل و حالت طبیعی خود و بدون دخالت انسان قادر به عبور از مرزهای سیاسی یک کشور می باشد. میدان های نفت و گاز مشترک به دلیل گستره جغرافیایی آنها و تعلق به بیش از یک کشور مصداق بارز این منابع می باشند (میرعباسی و جهانی، ۱۳۹۰: ۹۲). به عبارت دیگر، هر گونه ثروت ملی اعم از شناخته شده و یا کشف نشده واقع بر روی زمین و یا در زیر زمین که منبع و یا مسیر جریان آن در خط مرز و یا با سفره های مشترک در دو سوی خط مرزی قرار گرفته، منابع مشترک مرزی گفته می شود (زرقانی، ۱۳۸۶: ۲۸). با توجه به روند رو به افزایش جمعیت کشورها و وابستگی و نیاز روز افزون آنها به منابع مرزی از یک سو و توسعه فناوری های جدید توان کشورها برای بهره برداری از این منابع را تا حد قابل ملاحظه ای افزایش داده است. بهره گیری بهینه از این منابع به نحوی که منافع ملی کشور تأمین شود و چالش های و ناامنی های ناشی از بهره برداری یک طرفه از منابع بین دو کشور را تا حد امکان کاهش دهد نیازمند شکل گیری توافقات دوجانبه ای بین دو کشور دارنده مرز مشترک در قالب مدیریت دوجانبه منابع مشترک مرزی است.

۴-۴- دیپلماسی مرزی

حکومت ها برای اینکه بتوانند مرزهای خود را بخوبی مدیریت کنند نیازمند نیروهای مرزی حرفه ای و آموزش دیده می باشند. هر چند با گسترش پیشرفت های تکنولوژیکی نیاز به نیروهای مرزی برای حفاظت و نگهداری از مرزها و مدیریت آنها تا حدود زیادی کم شده است اما، با این وجود نیروی انسانی آموزش دیده و حرفه ای است که، از این فناوری ها باید در راستای دستیابی به اهداف مدیریت مرزی استفاده کند. مدیریت مرزی نیازمند نیروهای مرزی حرفه ای و تخصصی،

^۱ Trans Boundary Natural Resources

آموزش دیده و آشنا با استانداردهای مدرن در زمینه پاسداری مرزی، آشنا با فرهنگ ساکنین مرزی، دارای روحیه همکاری با سازمان‌های درگیر در سراسر مرز و ... است تا از این طریق بتواند مرزها را به صورت بهینه مدیریت کند. بر این اساس، به هر اندازه که نیروی مرزی به کار گرفته شده در مدیریت مرزهای کشور حرفه‌ای‌تر، آموزش دیده و آشنا با فناوری‌های مدرن و استانداردهای مدرن، آشنا با فرهنگ ساکنین مرزی و آشنا با قوانین و ضوابط دو کشور دارای مرزهای مشترک باشد به همان میزان مدیریت مرزها نیز بهتر صورت گرفته و زمینه همکاری و تعامل بین کشورهای دارای مرزهای مشترک به دلیل عملکرد خوب مدیریتی و روحیه همکاری پرسنل حفاظت از مرزهای مشترک فراهم آورده می‌شود (جان پرور، ۱۳۹۱: ۸۸). گام نخست برای دستیابی به این مهم، آشنایی نیروهای مرزی با دیپلماسی مرزی است تا از این طریق بتوان زمینه همکاری و کاهش چالش‌های مرزی بین دو کشور را تا حد امکان کاهش دهند و امین را در منطقه مرزی برقرار سازند.

۴-۵- بهره‌گیری از زیرساخت‌ها و تکنولوژی مشترک مرزی (کامل تر و بروز تر)

به کارگیری فناوری‌های نوین برای تأمین و افزایش امنیت مرزی یکی از اهداف دولت‌ها در عصر حاضر است. تکنولوژی‌های جدید برای بالا بردن مهارت کشورها برای کنترل و نظارت و حفظ امنیت شهروندان و ... از اهمیت بالایی برخوردار است. در این راستا، وجود زیرساخت‌ها و تکنولوژی پیشرفته و مناسب در هر عرصه‌ای به انجام بهتر و نتیجه بخش‌تر آن کمک می‌کند. در این بین مدیریت مرز نیز از این قاعده مستثنی نمی‌باشد و وجود زیرساخت‌ها و تکنولوژی پیشرفته و بروز در این عرصه به مدیریت بهتر مرزها کمک می‌کند. زیر ساخت‌ها و امکانات مرزی به صورت‌های مختلف می‌تواند بر مدیریت مرز و همکاری مدیریت مرزی تأثیر بگذارد. نتیجه این امر کاهش هزینه‌ها، عملکرد بهتر مرز، کارآمدی و دستیابی به مدیریت بهینه مرزی می‌باشد (Doyle, 2007: 15-21). از آنجا که دستیابی به زیرساخت‌ها و تکنولوژی‌های مرزی کامل و بروز برای همه کشورها از نظر هزینه، دسترسی به فناوری نوین، نبود نیروهای متخصص و ... امکان پذیر نیست. استفاده کشورها به صورت مشترک از زیرساخت‌ها و تکنولوژی‌های مشترک مرزی، به کشورها بهره‌گیری از زیرساخت‌ها و تکنولوژی‌های مشترک کامل تر و بروزتری بدون صرف هزینه‌های بالا را می‌دهد. بر این اساس، بهره‌گیری از زیرساخت‌ها و تکنولوژی‌های مشترک مرزی جهت برقراری امنیت مرزها ضرورت شکل دهی به مدیریت دوجانبه مرزها را برجسته تر می‌کند.

۵- تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری

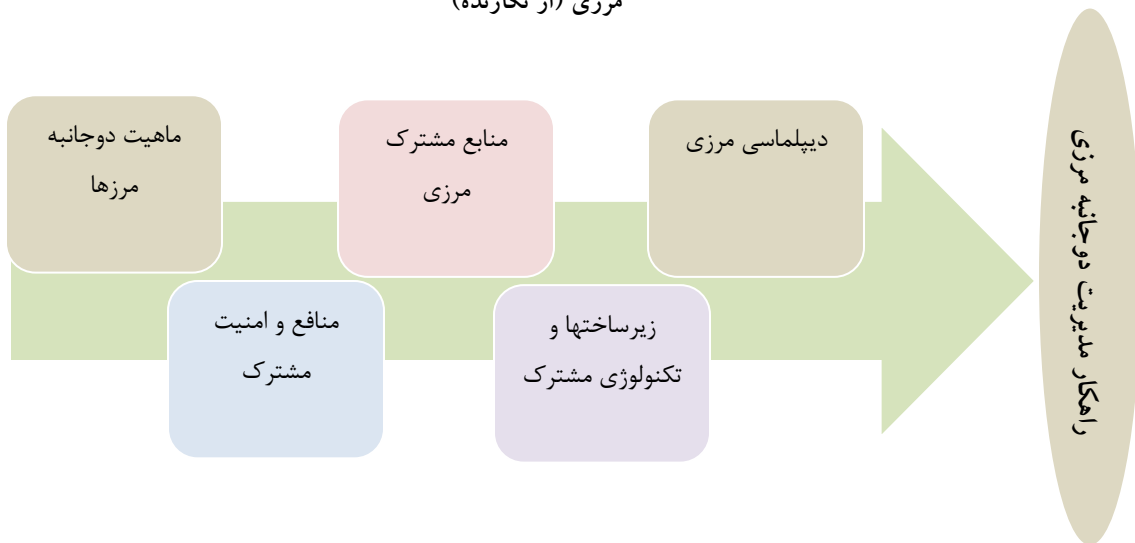
بسیاری از دولت‌ها در حال تلاش برای پیدا کردن تعادل بین تسهیل تجارت و در عین حال حفاظت از مرزها از جریان غیر قانونی کالا و مردم است. رویکرد جدید به مدیریت مرزی مدرن تسهیل کننده تجارت آزاد و اطمینان از ایمنی و امنیت از طریق هماهنگی بین آژانس‌های کنترل مرزی و استفاده از فرایندهای جدید و اتخاذ آخرین فناوری می‌باشد تا از این طریق بتوان امنیت پایدار را در مناطق مرزی ایجاد کرد. یکی از راه‌های دستیابی به این امنیت پایدار بهره‌گیری از مدیریت مرزها است. مدیریت مرز در حقیقت از سه طریق بر امنیت مرزها تأثیر گذار است که عبارت‌اند از:

- اطمینان از امنیت مناطق مرزی توسط جلوگیری از تخلفات عبور و مرور مرزی؛ که این بطور کلی در حوزه نیروهای نظارت مرزی قرار می‌گیرد.
- اطمینان از رفاه ساکنین مناطق مرزی و تلفیق آنها در مسیر اصلی کشور می‌باشد. این بطور کلی تحت حوزه مدیریت داخلی و دیگر سازمان‌های دولتی قرار می‌گیرد.
- اطمینان از تشخیص همه مسائل مرتبط با مرز و ایجاد ارتباط صمیمانه با کشورهای همسایه به ویژه بین نیروهای نظارت مرزی؛ این امر نیازمند درک دیپلماتیک بر بخش نیروهای نظارت مرزی و چارچوب دوستانه صریح برای حل اختلافات می‌باشد.

از سوی دیگر باید توجه داشت که، امنیت پایدار و با ثبات در طول مرزهای یک کشور در گرو تشکیل سازه و نهادی مشترک بین آنها است که بتوانند هماهنگی و همکاری لازم را بین دو طرف در بخش‌های مختلف، اقتصادی، دفاعی، امنیتی و ... به وجود آورد. جهت دستیابی به این مهم نیازمند طیف وسیعی از استراتژی‌های ملی تسهیل کننده مرزی در دو سوی مرز می‌باشد، طیفی که دارای هدفی مشترک در غلبه بر بدگمانی‌های بنیادی در قبال شکل دهی به یک نهاد و سازه مشترک باشد. همچنین، اعتمادسازی یکی از اقدامات اصلی است که می‌تواند در این زمینه از سوی کشورهای دارای مرزهای مشترک صورت گیرد. بر این اساس باید گفت، تحولات صورت گرفته در عرصه جهانی نظیر جهانی شدن که زمینه تحرکات سهل تر انسانها و کالاها را فراهم آورده است و وابستگی روز افزون کشورها به یکدیگر حرکت به سوی مدیریت مرزها جهت برقرار امنیت پایدار مرزی را ضروری کرده است دستیابی به این مهم با توجه به ماهیت وجودی مرزها، تحولات دهه‌های اخیر، منافع و امنیت مشترک، منابع مشترک، دیپلماسی مرزی و بهره‌گیری از زیرساخت‌ها و تکنولوژی مشترک مرزی نیازمند رسیدن به یک سری استانداردهای ضروری در زمینه مسائل مرزی در دو طرف مرز جهت شکل دهی به سازه و نهادی مشترک با اختیارات و جایگاه برجسته در دو سوی مرز در قالب مدیریت دوجانبه مرزها می‌باشد (شکل ۲). زیرا مدیریت و کنترل مرزی با مسائل در این طرف مرز و آن طرف مرز ارتباط دارد و بحث مدیریت کردن مرزها مرتبط با همکاری و ارتباط بین دو طرف دارنده مرز مشترک می‌باشد. بر این اساس، از آنجا که

مرزها دارای دو طرف هستند و کشورهای همسایه دارای منافع و مصالح مشترکی در امتداد مرزها با یکدیگر می‌باشند، حکومت‌ها برای اینکه بتوانند مرزها را بصورت موثر و کارآمد مدیریت و کنترل کنند و هزینه کمتری را برای این کار صرف کرده و چالش‌های مرزی را به حداقل ممکن برسانند نیازمند شکل دادن به یک سازمان و نهاد مرزی مشترک بین خود هستند که بتوانند با استفاده از آن مرزهای بین خود را به صورت موثر مدیریت و کنترل کرده و زمینه‌های همکاری و روابط خوب را در امتداد مرزها بین دو کشور و ساکنین مناطق مرزی گسترش دهند و از این طریق به امنیت پایدار در مناطق مرزی خود دست یابند.

شکل ۲: عوامل موثر در حرکت به سمت شکل دهی به مدیریت دوجانبه مرزی (از نگارنده)



۶- منابع

- ۱- بوزان، باری (۱۳۷۸). مردم، دولت ها و هراست. ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۲- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۷). «انتظام در پراکندگی: بحثی در امنیت ملی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی. پیش شماره دوم.
- ۳- جان پرور، محسن (۱۳۹۱). تبیین الگوی مدیریت مرز دریایی مورد خلیج فارس. رساله دکتری رشته جغرافیای سیاسی. به راهنمایی دکتر محمدحسین افشردی. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- ۴- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۱). جغرافیای سیاسی ایران. مشهد: انتشارات سمت.
- ۵- خطابی، غلامحسین. (۱۳۷۴). مرزبانی. چاپ اول. تهران. انتشارات معاونت آموزشی ناجا.
- ۶- زرقانی، سیدهدادی (۱۳۸۶). «عوامل ژئوپلیتیکی موثر بر امنیت مرزی با تأکید بر مرز شرق ایران و افغانستان». فصلنامه راهبرد دفاعی. سال ششم. شماره ۲۰.
- ۷- مجتهدزاده، پیروز و عسگری، سهراب (۱۳۸۴). جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک، تهران: انتشارات پیام نور.
- ۸- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱). جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی. چاپ اول. تهران. انتشارات سمت.
- ۹- میرعباسی، سید باقر و جهانی، فرخزاد (۱۳۹۰). «رژیم حقوقی بهره برداری از میداین مشترک نفت و گاز از دیدگاه حقوق بین الملل». فصلنامه مطالعات راهبردی. شماره ۶۱.
- 10- Doyle, Tom (2007). Collaborative border management. Word Customs Journal. Volume 4.
- 11-Heinsson, (2009). Accreditation and Border Management. Available : www.kghborderservices.com
- 12-Newman, David. (2003). 'Boundaries'. A Companion to Political Geography. Jan Agnew. The United Kingdom. Blackwell publishing.
- 13-Pratt, Martin. (2001). Boundary- Making, Challenges & Opportunities. IBRU. Durham University. UK
- 14- www.kghborderservices.com